



## Sitcoms (Int.)

### About this lesson

در این درس می آموزید چگونه

- طنز در یک سریال خنده دار را تعریف کنید
- را با کسانی که می شناسید مقایسه کنید **sitcom** شخصیت های
- شخصیت های سریال خنده دار
- را با کسانی که می شناسید مقایسه کنید
- شما همچنین درباره محبوبیت سریال های خنده دار
- در فرهنگ آمریکا می آموزید

### The one where

Have you had a chance to watch the **sitcom** "Pals" lately?

رو داشته ای؟ "pals" شانس دیدن **سریال خنده دار**

Of course, you know I watch it **religiously**.

حتماً، می دونی که من **با کمال اشتیاق** تماشا می کنم .

Did you see the **episode** that was on last Tuesday?

**داستان** سه شنبه پیش رو دیدی؟

Wasn't that **the one where** everyone goes to a science convention?

اونی نبود که همه با هم به یک **گردهمایی علمی** میرن؟

### Sitcoms

سیت کام کوتاه شده کمدی است. برنامه های طنز تلویزیونی گاه شخصیت های معمولی دارد که با ماجراهای غیر متعارف رودر رو میشوند، و یا شخصیت های غیر عادی که با رویدادهای معمولی برخورد میکنند. در هر دو حال نتیجتاً یک تصویر خنده دار از زندگی و فرهنگ آمریکایی ارائه میدهد. شخصیت های "سیت کام" غالباً چهره اغراق گونه بی از شخصیت های عادی آمریکایی هاست. مردی که مورد توجه زن هاست، زنی که به مد بیش از اندازه توجه دارد، یا یک تاجر احمق. این تیپ های سنتی، شخصیت های "سیت کام" را قابل تعمیم به بسیاری از آمریکا بی ها میکند. "سیت کام" ها غالباً موضوع های جدی را در قالب طنز مطرح میکند و همین به آنها اجازه میدهد تا اظهار نظر های گستاخانه ای را در قالب شوخی بیان کنند چون آنها را در سطح برنامه های نمایشی جدی به حساب نمی آورند.

### Hilarious

My roommate thought it was **hilarious** that it rained the entire episode.

همخونه من فکر می کرد اینکه تمام مدت داستان بارون **آومد مسخره** بود .

I didn't really **get it**.

من که واقعاً نفهمیدم .

## **Ironic**

No one wanted to hear Ross' speech **at first**.

اولش هیچکس نمی خواست سخنرانی راس رو بشنوه .

But then they **found out** the conference was in the Bahamas.

ولی بعد فهمیدند که کنفرانس در باهاماس بود .

The bad weather was super **ironic**.

هوای به طرز آبرو نیکی بد بود .

I guess that **serves them right**.

من فکر می کنم حقشون بود .

## **Awkward**

It was so funny when Ross and Joey were **going after** the same girl.

خیلی خنده دار بود وقتی راس و جوی دنبال یه دختر افتادند .

That kinda thing can get **awkward in real life** too.

این جور چیزا در زندگی واقعی هم ناجوره .

## **Ridiculous**

It's so funny when the characters do **ridiculous** things.

خیلی خنده داره وقتی که شخصیت‌های (داستان) کارهای مضحک می کنن .

Like when Ross and Joey are trying to **make each other look bad**.

مثل وقتی که راس و جوی میخواستن همدیگرو بد جلوه بدن .

They **end up** chasing each other around the hotel with pineapples.

آخر هم کار به جایی کشید که در اطراف هتل با آناناس دنبال هم کنن .

## **No wonder**

You and your girlfriend totally remind me of Ross and Rachel.

تو و دوست دخترت کاملاً منو یاد راس و ریچل میندازین .

**No wonder** you like that show so much.

تعجبی نداره که اون برنامه رو خیلی دوست داری .

I'm just like Ross with all the **shenanigans** he gets himself into.

من درست مثل راس هستم با همه دوز و کلک هایی که توش میفته .

You never get into funny or crazy situations.

تو هیچوقت خودتو درگیر دیوانه بازی و موقعیت های خنده دار نمی کنی .

I was just being **sarcastic**.

داشتم **طعنه** می زدم .

## A lady's man

I'm more of a Joey, **you know**, the **suave lady's man**.

من بیشتر شبیه جوی هستم، **می دونی**، به مرد مودب و شیک که زنا دوستش دارن .

**You mean** the guy who always has a date but never has a girlfriend?

**منظورت** همونیه که همیشه با یکی قرار داره ولی هیچوقت دوست دختر نداره؟

You really do eat as much as Joey.

تو واقعاً به اندازه جوی هم می خوری .

You could totally be a **sitcom** character.

تو کاملاً میتونی یک شخصیت **کمدی** باشی .

## All we need

Our friends could totally be the people on "Pals."

دوستانمون می تونن کاملاً شخصیت های "پال" باشن .

**All we need** is someone as **eccentric** as Phoebe.

**تنها چیزی که لازم داریم** به نفره که مثل فو بی **عجیب و غریب** باشه

Do you really think your sister's as **finicky** as Monica?

واقعاً فکر می کنی خواهرت درست به اندازه "مونیکا" **ریز بینه**؟

I guess she doesn't get annoyed by **every little thing**.

من فکر می کنم او با هر چیز کوچکی اذیت نمی شود .